

اوپیک و سوخت پنجم

محمد امین نادریان

بی تردید اهداف و استراتژی‌های قابل انتخاب هر سازمان یا کشوری وابسته به شرایط گذشته آنها و شرایط حاکم بر محیط پیرامونی و به تعبیری بافتی (Context) که در آن به نقش آفرینی می‌پردازند می‌باشد. در فضای تصمیم‌سازی انرژی نیز این مسئله کاملاً موضوعیت دارد و با تغییر ترتیبات حاکم بر صحنه انرژی، چه در سطح محیط پیرامونی و یا همان بافت حاکم و چه در ساختارهای درونی بخش انرژی شاهد تغییر در مفاهیم، پارادیم‌ها و به تعبیری مسئله انرژی هستیم. انرژی از دهه ۱۹۷۰ تاکنون همراه با تغییرات شتابان جهانی

دستخوش تحول بوده است و این تحول بر تصمیمات و استراتژی‌های کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده به شدت تأثیر گذارده است. افزایش بی‌سابقه تقاضای جهانی انرژی، تغییر کانون‌های رشد تقاضا و مصرف به سمت کشورهای در حال توسعه همچون چین و هند، حفظ سهم نفت و گاز در سبد انرژی جهان علیرغم همه تلاش‌های به عمل آمده توسط کشورهای صنعتی غرب و افزایش حجم تجارت نفت و گاز، افت تولید ذخائر نفت و گاز در کشورهای مصرف‌کننده، ظهور جغرافیای جدید نفت و خصوصاً گاز در امتداد عربستان-خزر-سیبری و کانادا همراه با تغییرات قابل توجه در قطب‌بندیهای موجود در نظام بین‌الملل، آزادسازی و خصوصی‌سازی بازارهای انرژی، افزایش دغدغه‌های زیست‌محیطی و تغییر در الگوی زندگی کشورهای در حال توسعه در آغاز قرن بیست و یکم، باعث شده تا تدوین سیاست‌هایی که بتواند میان اهداف اقتصادی، زیست‌محیطی و امنیتی سیستم انرژی نوعی

توازن مطلوب را برقرار سازد به معنایی غامض تبدیل شود که صاحب‌نظران اقتصادی امروزه از آن به معنای Eها (Environment, Efficiency, Energy security) یاد می‌کنند. در واقع سوال اساسی سیاست‌گذاران انرژی در قرن حاضر این است که چگونه می‌توان انرژی مورد نیاز برای یک رشد پایدار و هدفمند را در شرایطی تأمین کرد که بیشترین امنیت، کمترین آلودگی و بالاترین کارایی را دارا باشد؟ در واقع چه سیستم انرژی می‌تواند عرضه انرژی با کربن کمتر و امنیت بیشتر بدون آنکه به رشد و توسعه اقتصادی کشورها و جهان آسیب برساند را پیشنهاد کند. این سؤال در شرایط کنونی بیشتر به یک معما شبیه بوده و در اصطلاح به آن معمای انرژی می‌گویند. در مقام نظر راه حل این معما شکستن ارتباط بین فعالیت اقتصادی، مقدار تقاضای انرژی و میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای است. به عبارت دیگر اگر بتوان تولید ناخالص جهانی را افزایش داد، بدون اینکه تقاضای انرژی لزوماً افزایش یابد و حجم

محدود کرده است. علاوه بر این اغلب مخازن بزرگ و پربازده نفتی در سطح کشورهای عضو اوپک، در نیمه دوم عمر تولید خود و در نتیجه در بخش نزولی منحنی تولید قرار دارند و حتی حفظ سطح تولید این مخازن نیازمند تحقق میلیاردها دلار سرمایه گذاری است؛ در حالی که به فعلیت در آوردن ظرفیت بهینه سازی تقاضا و مصرف انرژی در این کشورها با استفاده از تکنولوژی های روز جهان بسیار کم هزینه تر خواهد بود و از این طریق اغلب اعضاء اوپک می توانند با کاهش مصرف داخلی خود نفت و گاز بیشتری را برای صادرات آزاد نمایند. بنابراین سازمان اوپک می تواند با تشکیل نهادی در درون خود، مرجع مشترکی را برای پیگیری این سیاست ها و تحقیق و توسعه در این زمینه ایجاد کند. به نظر می رسد که پیگیری سیاست افزایش بهره وری انرژی در شرایط حاضر برای کشورهای مصرف کننده و تولیدکننده منافع اجتماعی بسیاری داشته باشد.

افزایش بهره وری مصرف انرژی در کشورهای اوپک می تواند باعث کاهش تقاضای انرژی جهان و لذا کاهش نگرانی های امنیتی و زیست محیطی ناشی از افزایش تقاضا شده و عدم اطمینان حاکم بر بازار نفت که موجب عدم ثبات در این بازار و افزایش قیمت ها شده است را تا حدود زیادی کاهش دهد. از سوی دیگر کاهش شاخص شدت انرژی کشورهای صادرکننده نفت اوپک توان صادرات نفت کشورهای صادرکننده را افزایش می دهد و ثمرات اقتصادی و امنیتی مختلفی را برای این کشورها به بار می آورد که در این مجال نمی گنجد. بنابراین به نظر می رسد که پیگیری هدف صرفه جوئی انرژی در قالب یک نهاد بهره وری انرژی در سازمان اوپک در شرایط کنونی می تواند مزایای زیادی را برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی جهان به همراه داشته باشد.

حال که سازمان اوپک قادر به تولید بیشتر نفت در حد پاسخگویی به تقاضای جهانی نیست برای حفظ جایگاه تاریخی و موقعیت تأثیرگذار خود در بازارهای جهانی انرژی می تواند به تولید سوخت پنجم و یا همان سوخت آزاد شده از محل بهینه سازی و صرفه جوئی و افزایش راندمان انرژی مبادرت نماید. اقدام گسترده اوپک برای تولید سوخت پنجم با توجه به منطق اقتصادی و اخلاقی آن در حفاظت از منابع پایان پذیر انرژی و با توجه به آثار مثبت زیست محیطی آن لاجرم مورد حمایت افکار عمومی کشورهای صنعتی قرار خواهد گرفت و دولت های کشورهای مذکور نیز مجبور به همکاری در این زمینه خواهند بود و لذا این اقدام تا حدود زیادی فشارهای موجود را نیز از روی اوپک بر خواهد داشت.

انتشار گازهای گلخانه ای بالا رود، آنگاه یک سیستم انرژی مناسب و خوب طراحی شده و معمای انرژی حل خواهد شد. یکی از آشناترین راه حل های عملی برای این معما بهره گیری از سوخت پنجم یا صرفه جوئی انرژی است.

علیرغم همه تحولات مذکور از زمان وقوع شوک اول نفتی، مسئله ارتقاء کارائی و بهینه سازی مصرف انرژی همواره در کانون سیاست های انرژی کشورهای صنعتی بوده است و تجربه بسیار مثبتی نیز در این زمینه وجود دارد که این تجربه می تواند از سطح کشورهای صنعتی به سطح جهانی تعمیم یابد. مؤسسه مطالعات جهانی مکنیزی در گزارش ماه می سال ۲۰۰۷ خود، نتیجه گیری نموده است که با فرض آخرین تکنولوژی های موجود و نرخ بازدهی ۱۰ درصد یا بیشتر می توان تا حدود ۵۰ درصد یا حتی بیشتر از رشد جهانی تقاضای انرژی تا ۱۵ سال آینده را از محل ارتقاء بهره وری انرژی کاهش داد که این رقم معادل ۱۳۵ کوادریلیون بی.تی.یو (معادل ۶۴ میلیون بشکه نفت در روز) صرفه جوئی در انرژی خواهد بود. همین مطالعه نشان می دهد که کشورهای در حال توسعه مانند چین و هند و کشورهای خاورمیانه و به ویژه کشورهای صادرکننده نفت از ظرفیت های بالاتری برای بهبود شاخص شدت انرژی جهانی برخوردارند. در این گزارش سهم کشورهای خاورمیانه از ۱۳۵ کوادریلیون بی.تی.یو صرفه جوئی جهانی انرژی تا سال ۲۰۳۰، ۱۰ درصد اعلام شده است که این رقم معادل ۶/۴ میلیون بشکه نفت در روز برای این منطقه است. در همین گزارش آمده که کشورهای صادرکننده نفت با دریافت دلارهای نفتی بیشتر در نتیجه افزایش قیمت های نفت در چند سال اخیر، شاهد رشد اقتصادی و پرداخت سوبسیدهای بیشتری برای انرژی هستند که افزایش تقاضا و توسعه صنایع انرژی بر را در این کشورها تشویق می کند. این در حالی است که شدت انرژی کشورهای خاورمیانه براساس برابری قدرت خرید ۲۲۰/۸ تن معادل نفت خام بر میلیون دلار و متوسط جهانی این رقم در سال ۲۰۰۴ برابر ۱۳۳/۲ تن معادل نفت خام بر میلیون دلار بوده است و بی توجهی به مسئله راندمان انرژی در این مناطق موجب توسعه ساختارهای ناکارای انرژی شده است.

مطالب مندرج در این گزارش به خوبی نشان می دهد که کشورهای صادرکننده نفت دارای پتانسیل های فراوانی برای سرمایه گذاری در زمینه کاهش مصرف انرژی هستند. این در حالی است که کشورهای عضو سازمان اوپک، طی چند سال اخیر با مشکل فقدان ظرفیت مازاد تولید مواجه بوده اند و این مشکل نقش آفرینی اوپک در بازارهای جهانی نفت و انرژی را بسیار